

امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

نیم سال اول ۹۵-۹۶

رشته‌های فلسفه، کلام، تفسیر، تاریخ، اخلاق، مهدویت، امامت و ادبیات عرب و وادی مهر ۹۵

صورتی:	ساعت برگزاری: ۱۰ صبح	نمره: ۱۷	ساعت تکمیل: ۸۰ دقیقه
غیرصورتی:	ساعت برگزاری: ۱۰ صبح	نمره: ۲۰	ساعت تکمیل: ۹۰ دقیقه
شماره یا نام مصحح اول	نمره بر عدد	نمره بر حرف	
شماره یا نام مصحح دوم	نمره بر عدد	نمره بر حرف	

مهر مدرسه

کد آزمون:	۳۹۵۱/۰۵
تاریخ:	۱۳۹۵/۱۰/۲۰
زمان:	۱ فقه
کتاب:	دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی
مردود:	جلد دوم: اجاره (ص ۱۳۰-۱۰۷)، ضمان (ص ۱۷۸-۱۶۹)، مضاربه (ص ۲۲۳-۲۱۱)، قرض (ص ۲۴۱-۲۲۵)، ودیعه (ص ۲۷۲-۲۶۵) و وقف (ص ۵۶۴-۵۴۱)

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد ملی: مدرسه علی: شهرستان: استان:

۱- ما هو المستفاد من تعريف الاجارة بـ «أنها عقد يتضمن تمليك المنفعة بعوض»؟ ص ۱۰۹

- الف. كون الاجارة فعل المؤجر و المستأجر
- ب. كون الاجارة متممناً للمعاوضة
- ج. كون الاجارة فعل المستأجر
- د. كون الاجارة فعل المؤجر

۲- با توجه به روایت «الرجل يستأجر الدار ثم يؤجرها بأكثر مما استأجرها به؟ قال عليه السلام: لا يصلح ذلك إلا أن يحدث فيه شيئاً» در چه صورت اجاره عین مستأجر باطل می‌باشد؟ ص ۱۲۶

- الف. لو كان الاجارة الاولى اكثر من الثانية مع اتحاد جنس الاجرتين.
- ب. لو كان الاجارة باجرة اكثر ولو مع تعابر جنس الاجرتين.
- ج. لو كان الاجارة باجرة اكثر مع اتحاد جنس الاجرتين.
- د. لو كان الاجارة الاولى اكثر من الثانية مطلقاً.

۳- عین ما هو الشرط فی ضمان المضمون له و المضمون عنه؟ ص ۱۷۳

- الف. عدم السفه فی المضمون له و المضمون عنه
- ب. عدم السفه و عدم فلس المضمون له
- ج. عدم فلس المضمون عنه
- د. عدم سفه المضمون عنه

۴- در عبارات «الوديعة عقد و لا يكفي ايجاب المودع فی تحققها بل لا بد من قبول الودعي و إلا لم يكن له السلطنة على نفسه»، مرجع ضمير را در «له» و «نفسه» تعیین فرمایید. ص ۲۶۷

- الف. مودع - مودع
- ب. ودعی - مودع
- ج. ودعی - ودعی
- د. مودع - ودعی

۵- ما هو حكم عقد الوديعة من حيث الجواز و اللزوم؟ ص ۲۶۸

- الف. لازم من المستودع و جائز من المودع
- ب. جائز من الطرفين لو لم يكن مؤجلاً
- ج. لازم من الطرفين ولو كان مؤجلاً
- د. جائز من الطرفين ولو كان مؤجلاً

۶- ما هو الصحيح فی كون الوقف، عقداً أو ايجاباً؟ ص ۵۴۵

- الف. ايقاع لإطلاق رواية: «الوقف تكون على حسب ما يوقفها أهلها»
- ب. عقد لاستصحاب عدم ترتب الاثر قبل القبول.
- ج. عقد لقاعدة سلطنة الموقوف عليه على نفسه.
- د. ايقاع لأن الاصل عدم اشتراط القبول.

۷- با توجه به عبارت «قد فصل الشيخ النائبي بين الإجارة في الأعيان فتصح فيها المعاطاة و الاجارة في الأعمال فلا تصح فيها بتقريب أن التعاطى يمكن تحققة خارجاً في الأعيان و لا يمكن تحققة في إجارة الأعمال.» پاسخ دهید. ص ۱۱۱ - ۲ نمره

الف) چرا بنا بر نظر مرحوم نائینی در یک قسم از اجاره معاطات محقق نمی‌شود؟ در ضمن مثالی بیان نمایید.
ب) یک پاسخ به سخن ایشان را بنویسید. (با تطبیق بر مثالی که زده‌اید)

جواب: الف. معاطات آن است که هر دو طرف، عوضین را با اعطای خارجی بدهند و با این اعطاء انشاء نمایند. لذا در اجاره اعمال اگر مثلاً کسی بخواهد اجاره بر خیاطی منعقد کند، از یک طرف امکان دادن پول به قصد انشاء وجود دارد ولی در طرف مقابل قصد انشاء بر تحویل عمل ممکن نیست چون امکان تحویل کار در آن زمان وجود ندارد لذا امکان تحقق تعاطی از دو طرف وجود ندارد.

ب. جواب اول: در تعاطی لازم نیست انشاء همراه با اعطای هر دو عوض باشد بلکه با اعطای پول به قصد انشاء از یک طرف و اخذ پول به قصد انشاء از طرف دیگر ممکن است. (مثلاً یک طرف به قصد انشاء پول بدهد و دیگری به قصد انشاء قبض کند.)

جواب دوم: می‌توان فرض کرد مستأجر پارچه را به قصد انشاء اجاره به خیاط می‌دهد و خیاط هم همان را به قصد قبول اجاره می‌گیرد و همین اخذ و اعطاء محقق معاطات است ولو پولی هم داده نشود.

۸- با توجه به آیه شریفه «أوفوا بالعقود» آیا ملکیت در اجاره شرط است یا خیر؟ و اگر غیر مالک اجاره دهد چه حکمی دارد؟ توضیح دهید.

ص ۱۱۶ - ۲ نمره

جواب: خطاب و امر به وفای به عهد در آیه شریفه منصرف به کسانی است که مالکند و عقد حقیقتاً منتسب به آنها می‌باشد و اگر کسی مالک نباشد عقد منتسب به او نیست و لذا وفا واجب نمی‌باشد.

اما اگر توسط غیر مالک اجاره‌ای صورت گیرد، از اساس باطل نیست و فضولی بوده، موقوف به اجاره مالک است (و در این صورت پس از اجاره عقد منتسب به مجیز شده، وفای به آن واجب خواهد بود).

۹- دو معنا برای «ضمان» را همراه با فرق آن دو بنویسید. (ضمان نزد اهل سنت مراد نمی‌باشد). ص ۱۷۱ - ۲ نمره

جواب: ۱. ضمان یعنی تعهد نسبت به دین غیر به این نحو که دین از ذمه مضمون‌عنه به ذمه ضامن منتقل گردد. (نمره ۰/۷۵) ۲. ضمان یعنی تعهد نسبت به دین غیر به این نحو که مسئول پرداخت دین باشد. (اگر مضمون‌عنه پرداخت نکند). (نمره ۰/۷۵)

تفاوت: در اصطلاح اول به محض عقد، ضمان مضمون‌عنه برئ‌الذم و ضامن بدهکار می‌شود اما در فرض دوم مضمون‌عنه برئ‌الذم نیست و ذمه ضامن مشغول نمی‌باشد بلکه بر او لازم است اداء دین نماید و بدهی را جبران کند. (نمره ۰/۵)

۱۰- فرق «مضاربه» با هر یک از «قرض» و «اجاره بر عمل» را توضیح دهید. ص ۲۱۳ و ۲۱۴ - ۲ نمره

جواب: الف. در قرض، مقترض (قرض‌گیرنده) مالک مال می‌شود و بدل آن بر عهده‌اش می‌آید. اما در مضاربه مالی که به عامل داده می‌شود به ملکیت او در نمی‌آید و مالکیت او بر سود حاصل از عمل است نه اصل مال. (۱ نمره)

ب. در اجاره بر عمل، سود هر عملی که عامل با مال مستأجر انجام می‌دهد متعلق به مستأجر است و اجیر فقط اجرت می‌گیرد و در بخشی از سود شریک نیست. اما در مضاربه از ابتدا طرفین بر حسب توافقی که کرده‌اند در سود شریکند. (۱ نمره)

۱۱- دلیل صاحب جواهر (ره) بر این که مقتضای قاعده اولیه عدم اشتراط قرض بر قبض است را توضیح داده و بنویسید با فرض اشتراط

قرض بر قبض، چرا تصرف، شرط صحت قرض نمی‌باشد؟ ص ۲۳۰ - ۲ نمره

جواب: دلیل صاحب جواهر (ره) آن است که با صرف ایجاب و قبول بدون قبض، عنوان «قرض» صدق می‌کند و اطلاقات ادله (از جمله آیه شریفه «أوفوا بالعقود») شامل آن می‌شود. پس بر طبق قاعده قبض شرط نیست. (۱ نمره) ب. زیرا ادله صحت قرض اطلاق دارد. (۱ نمره)

۱۲- فرق میان وقف با حبس و همچنین فرق بین صدقه به معنای وقف با صدقه بالمعنی الاخص را توضیح دهید. ص ۵۴۴ - ۲ نمره

جواب: فرق میان وقف با حبس: در وقف، اصل مال از مالکیت واقف خارج می‌شود و منافع آن در جهت خاصی تعیین می‌گردد اما در حبس اصل مال در ملکیت مالک باقی

است و تنها منافع در جهتی تعیین می‌گردد. (منافع تملیک می‌گردد). (۱ نمره)

ب. فرق بین صدقه به معنای وقف با صدقه بالمعنی الاخص: در صدقه بالمعنی الاخص: در صدقه به متصدق علیه منتقل می‌گردد و او می‌تواند هر تصرفی در مال بکند. اما در وقف تصرفات محدود به حدود تعیین شده از سوی واقف است. (۱ نمره)

۱۳- مقتضای اصل عملی و مقتضای روایت: «الوقوف علی حسب ما یوقفها أهلها» در وقف «اشتراط قصد قربت» است یا عدم آن؟ توضیح

دهید. ص ۵۴۹ - ۲ نمره

جواب: مقتضای اصل عملی اشتراط است، زیرا بدون قصد قربت استصحاب عدم ترتب اثر بار می‌شود. اما به حکم روایت قصد قربت شرط نمی‌باشد زیرا روایت اطلاق دارد و هر جا وقف صادق باشد، اثر بار می‌شود ولو بدون قصد قربت باشد چون عنوان «وقف» عرفاً متحقق بر قصد قربت نیست.

* سؤال زیر مختصّ طلاب غیر حضوری مکاتبه‌ای می‌باشد:

۱۴- هر یک از فرض‌های «تأجیل الدین عند حلوله بزیاده» و «تعجیل المؤجل و لو یاسقاط بعضه» را تبیین نموده و علت جواز یا عدم جواز

هر کدام را با ذکر دلیل بنویسید. ص ۲۳۵ - ۳ نمره

جواب: فرض اول: یعنی تأخیر انداختن دینی که زمان اداء آن فرا رسیده است با افزایش دادن مقدار آن (۰/۵ نمره) جایز نیست (۰/۵ نمره) زیرا در این صورت ربا پیش می‌آید که به خاطر افزایش زمان مقدار دین را افزایش داده‌اند. (۰/۵ نمره)

فرض دوم: یعنی تعجیل المؤجل و لو یاسقاط بعضه: دین زمان‌دار را با کم کردن مقداری از آن تبدیل به دین حال کنند (۰/۵ نمره) جایز است (۰/۵ نمره) زیرا در این صورت جعل زیاده نشده تا مشکل ربا پیش آید. (۰/۵ نمره)